

جایگاه شیعیان یمن در روابط ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (۱۳۹۰-۱۴۰۰)

حسین ربیعی^۱، رسول محمودزاده بالوند^۲، هوشمند زارعی دارامودی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

چکیده:

کشورها با استفاده از پدیده‌ها و عوامل گوناگون تلاش می‌کنند تا حوزه نفوذ خود را افزایش دهند. گسترش حوزه نفوذ در خارج از مرزهای یک کشور معمولاً از نشانه‌های قدرتمندی آن کشور محسوب شده و به همین خاطر کشورها، به‌ویژه قدرت‌های منطقه‌ای علاقه مندند که از طریق عوامل و متغیرهای مختلف، در فضاهای پیرامونی خود به نقش آفرینی بپردازند. در این میان یکی از این متغیرها، عامل مذهب است. با توجه به نقش اساسی مذهب در زندگی بشر که امروزه آنرا به یکی از مؤلفه‌های زیر بنایی هویت انسان‌ها تبدیل کرده‌است. رقابت‌های گسترده‌ای میان ایران و عربستان در عرصه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ایدئولوژی و ژئوکالچر شاهد هستیم. این دو کشور مهم ترین بازیگران منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس به‌شمار می‌آیند. از این رو در عرصه میدان رقابت یمن، وجود تعلق‌های ژئوپلیتیک بین ایران و شیعیان یمن به‌نوعی ناظر بر مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها می‌باشد که به‌لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار بوده و به‌لحاظ کارکردی تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور محسوب می‌شوند. بنابراین وجود رقابت‌های ژئوپلیتیک ایدئولوژیک بین ایران و عربستان در یمن و دیگر کشورها در صورت ایجاد دولت‌های همسو با گرایشات ایدئولوژیک هر کدام از دو رقیب باعث افزایش قدرت مانور و انفعال طرف مقابل در در صحنه منطقه‌ای خواهد شده. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که شیعیان یمن چه نقشی در رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای بین ایران و عربستان خواهند داشت. بدین‌منظور با استفاده از اسناد و اطلاعات گردآوری‌شده و به‌روش توصیفی-تحلیلی محتوا به بررسی روابط متغیرهای مورد نظر پرداخته شده‌است.

واژگان اصلی: ژئوپلیتیک، رقابت، شیعه، حوزه نفوذ، یمن، عربستان، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. rasoulmahmoodzadeh@yahoo.com

دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

جغرافیای سیاسی و وضعیت پراکندگی شیعه در جهان، خاورمیانه و به‌ویژه منطقه خلیج فارس و چگونگی تعامل متقابل حکومت‌ها با آنان و جایگاه مذهب و ایدئولوژی در روابط بین‌الملل، انرژی، بروز مفاهیم جدید قدرت مانند مرجعیت شیعی و در مقابل، سلفی‌گری توسط سلفی‌های تندرو در چندین سال گذشته به‌ویژه بعد از سقوط صدام، یکی از مباحث اصلی مطرح در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. طرح مساله هلال شیعی^۱ که توسط ملک عبدالله دوم پادشاه اردن مطرح شد، نشان داد، نوعی رقابت ژئوپلیتیکی مبتنی بر مذهب در منطقه وجود دارد (Wright & Baker, 2004). دو کشور ایران و عربستان در دو سوی این تقابل قرار داشتند و به دلیل نوع ایدئولوژی حاکم بر این کشورها که زمانی موضوع اصلی دکترین دو ستونی نیز بوده‌اند، روابط سیاسی این دو کشور متأثر از نوعی رقابت ژئوپلیتیک مبنی بر مذهب هستند (نیکسون، ۱۳۷۱: ۲۶۴).

یمن به‌عنوان فقیرترین کشور عرب جهان، مدت‌ها کانون بی‌ثباتی در منطقه بوده‌است. جامعه یمن متشکل از گروه‌های متخاصم زیادی از حوثی‌های شیعی گرفته تا نیروهای القاعده و جدایی‌طلبان جنوب یمن است. موقعیت جغرافیایی یمن به دلیل تسلط بر تنگه باب‌المندب (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان) و قرار داشتن در مرزهای جنوبی کشور عربستان سعودی و همچنین موقعیت جغرافیایی این کشور، نزدیکی به شاخ آفریقا، بر اهمیت و حساسیت‌های این کشور در منظر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی افزوده است (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۱۸۷). حضور شیعیان حوثی در کشور یمن در همسایگی یک قدرت منطقه‌ای که مدعی رهبری مسلمانان جهان است، موجب ایجاد نوعی تنش پایدار بین جریان‌های مذهبی در داخل کشور یمن از یک سو و تبدیل این کشور به عرصه رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌ها در سوی دیگر، شده‌است.

موفقیت‌های حوثی‌ها و توانایی این جریان شیعی در تغییر سریع جریان سیاسی یمن موجب نگرانی‌های گسترده عربستان گردید. افزون بر این تحت کنترل قرار دادن مناطق مختلف و استراتژیک در یمن توسط حوثی‌ها باعث پیروزی غیرمستقیم ایران از این طریق شده‌است که می‌توان گفت، رقابت جدی میان ایران و عربستان در این کشور شکل گرفته‌است که در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که شیعیان یمن چه نقشی در رقابت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای بین ایران و عربستان خواهند داشت؟

^۱ - Shiite Crescent

این پژوهش از لحاظ ماهیت و هدف جزو تحقیقات کاربردی و از حیث روش شناسی به شیوه تحلیلی - محتوایی انجام شده و روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مبتنی تحقیق تاریخی اسنادی بر منابع کتابخانه‌ای که شامل کتب، فصلنامه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی می‌باشد.

مفاهیم نظری

ژئوپلیتیک شیعه

امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان، در کشورهای گوناگون خاورمیانه بزرگ با مرکزیت ایران است. در واقع کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخ اسلام را در برمی‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان و پاکستان را پوشش می‌دهد. این کمربند که کشورهای گوناگون، به اکثریت و اقلیت تقسیم می‌شوند، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد (فاضلی نیا، ۱۳۸۶: ۵۴). دو رویداد مهم در عرصه‌ی ژئوپلیتیک منجر به پیوند میان اسلام و ژئوپلیتیک شد. نخست ظهور اسلام‌گرایی پس از برخورد اعراب و اسرائیل در قضیه‌ی فلسطین، به‌ویژه پس از جنگ شش‌روزه در منطقه‌ی خاورمیانه و پس‌از آن وقوع انقلاب اسلامی در ایران و در منطقه‌ی خلیج فارس که هرکدام به‌نوبه‌ی خود آثار مهمی در عرصه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی داشته‌اند (سیمبر، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

در واقع موقعیت جغرافیایی استقرار شیعیان یا ژئوپلیتیک شیعه در منطقه خاورمیانه، ناشی از استقرار شیعیان در قلب بزرگ‌ترین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه است که ۷۵ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد (بروجدی، ۱۳۹۰: ۱۲). فرانسوا توال در بررسی خود درباره‌ی مفهوم ژئوپلیتیک شیعه اظهار می‌کند: انقلاب اسلامی در ایران و یا رخدادهای لبنان، شیعه‌گری را به‌صورت یک عامل ژئوپلیتیک در خط مقدم صحنه‌ی بین‌المللی قرار داده‌است. وی در تحلیل کانون‌های نهضت شیعی دو نوع ژئوپلیتیک را برمی‌شمارد:

الف) ژئوپلیتیک داخلی؛ که عبارت است از: گستره و شدت تأثیرگذاری هر جامعه‌ی شیعی بر مجموعه‌ی تحولات و سیاست‌های داخلی یک کشور. ب) ژئوپلیتیک خارجی؛ که عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه‌ی شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

تعلق ژئوپلیتیک

منظور از تعلق ژئوپلیتیک یا حوزه‌ی نفوذ قلمرویی است که حق برتری سیاسی یا اقتصادی یک کشور در آن به رسمیت شناخته شده باشد (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۱: ۹۴). تعلق ژئوپلیتیکی عبارت است از مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که از لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار است و به لحاظ کارکردی، تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور شمرده می‌شود. تعلق ژئوپلیتیکی به نوعی زیربنای علایق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی است که با تمام یا بخشی از ویژگی‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند: یا مواردی‌اند که تأمین‌کننده نیازهای کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، فناوری، نظامی، امنیتی، حیثیتی، یا زیست‌محیطی‌اند و کشور به آن دلبستگی و علاقه دارد. در قلمرو مفهوم تعلق ژئوپلیتیکی، فهرست گسترده‌ای را می‌توان تنظیم کرد که برای نمونه می‌توان به یک گروه اقلیت هم‌کیش یا هم‌زبان و هم‌فرهنگ در یک کشور دیگر اشاره نمود (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

روابط ژئوپلیتیک:

روابط ژئوپلیتیک بین بازیگران به شکل سلطه و استیلا، تحت سلطه، تعامل و تعادل، نفوذ و رقابت شکل می‌گیرد. بر این اساس چهار نوع رابطه ژئوپلیتیکی شکل می‌گیرد:

۱- **رابطه تعاملی:** رابطه تعاملی عبارت است از ارتباطات گوناگون و متقابل بین بازیگران بین‌المللی، یا رابطه مبتنی بر برابری قدرت. در این نوع رابطه، طرفین از سطح نسبتاً برابر قدرت و وزن ژئوپلیتیک برخوردارند. چنین ارتباطی دارای خصلت اقدام متقابل و محتاطانه می‌باشد.



شکل ۱- رابطه تعاملی

۲- **رابطه سلطه:** رابطه سلطه و تفوق از نابرابری قدرت ناشی می‌شود. به‌طور که رابطه‌ای یک‌سویه و از بالا به پایین بین دولت و بازیگران قوی با دولت ضعیف و کم قدرت شکل می‌گیرد و دولت قدرتمند سرنوشت دولت ضعیف را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تعیین می‌کند.



شکل ۲- رابطه سلطه

۳-روابط نفوذ: رابطه نفوذ نوعی منعکس کننده سلطه و اقتدار و نتیجه نابرابری قدرت می باشد. نفوذ همان سلطه نامرئی بر فضای جغرافیایی و انسان های ساکن در آن است و نفوذ عبارت است از ظرفیت و توان یک بازیگر برای تغییر یا تحمیل رفتاری خاص بر بازیگر در سیستم بین المللی.



شکل ۳-روابط نفوذ

۴-رابطه رقابتی: قدرت طلبی بازیگران که هر یک سعی می کنند وضع مطلوب یا نامطلوب موجود را حفظ کنند. یا براندازند، رابطه آنها لزوماً منجر به رابطه ای رقابتی خواهد شد. این رابطه بر پایه برابری نسبی قدرت بین بازیگران شکل می گیرد. بازیگران بر اساس منافع متعارض باهم رقابت می کنند تا حریف و رقیب را از دستیابی به فرصت ها بازدارند (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۳۷۰-۳۳۳).

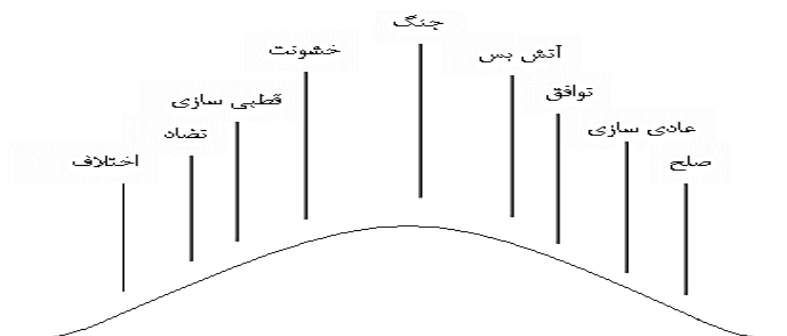


شکل ۴- رابطه رقابتی

فرایند تشدید و تنش زدایی منازعه

منازعه یک فرایند تعاملی است که کشورهای درگیر دگرگونی های فراوانی را در آن می پذیرند. سیر طبیعی منازعه تمایل به نیرومند شدن و عمیق تر شدن دارد. کنش های منازعه ای از طریق معیارهایی

هدایت می‌شوند که دائماً خاصیت افزایش‌یابنده دارد. به تناسب موضوعات، کشورهای درگیر و وضعیت جامعه، اهداف و نیات رهبران سیاسی هر کشور، فرایند شکل‌گیری، تشدید و فروکش کردن منازعه می‌تواند تغییر کرده و پیچیده و طولانی شود. پیشروی‌ها و پسروی‌های موجود در این فرایند با پیشرفت یا بازگشت همراه است. این فرایند را رامسبوتم و همکاران در شکل یک منحنی ساده ارائه داده‌اند که در آن مراحل تشدید و تنش‌زدایی در راستای یک منحنی توزیعی طبیعی حرکت می‌کنند؛



شکل ۱- منحنی توزیع تشدید و تنش‌زدایی منازعه. منبع (Ramsbotham, et al, 12).

همان‌گونه که شکل نشان می‌دهد حرکت از اختلاف‌های اولیه که می‌تواند بخشی از توسعه‌ی اجتماعی یا شکل‌گیری واحدهای سیاسی مستقل باشند، آغاز می‌شود؛ سپس با گذر از مرحله‌ی ظهور یک تضاد که ممکن است پنهان بماند یا آشکار شود به مرحله قطبی‌سازی^۱ می‌رسد که در آن گروه‌های هم‌سستیز شکل می‌گیرند و منازعه آشکار می‌شود. سپس این فرایند از طریق بروز خصومت مستقیم و شروع جنگ به اوج می‌رسد. در سوی دیگر پس از پایان جنگ که از طریق استراتژی‌های حل و فصل منازعه ایجاد شده است مراحل آتش‌بس، توافق و صلح یکی پس از دیگری طی شده و منازعه از بین می‌رود.

محیط‌شناسی

پراکندگی جغرافیای شیعیان

پراکندگی جغرافیایی شیعیان جهان را در منطقه‌ای از جنوب شرق آسیا تا اروپا را می‌توان مشاهده کرد. در این میان بیشترین جمعیت شیعیان در خلیج فارس و خاورمیانه زندگی می‌کنند. در این مناطق در دنیا هم از نظر کل جمعیت و هم از نظر درصد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است.

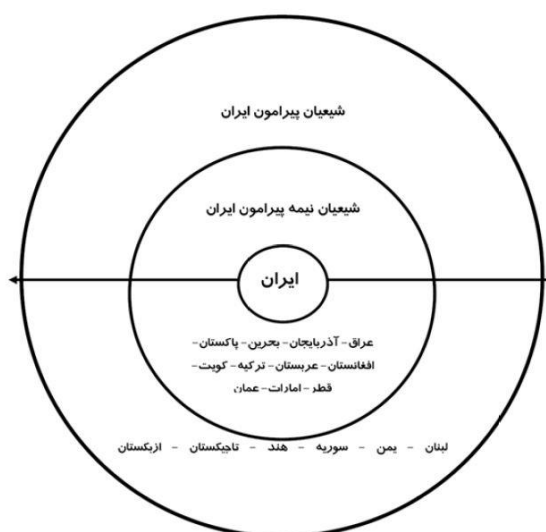
۱ - Polarization



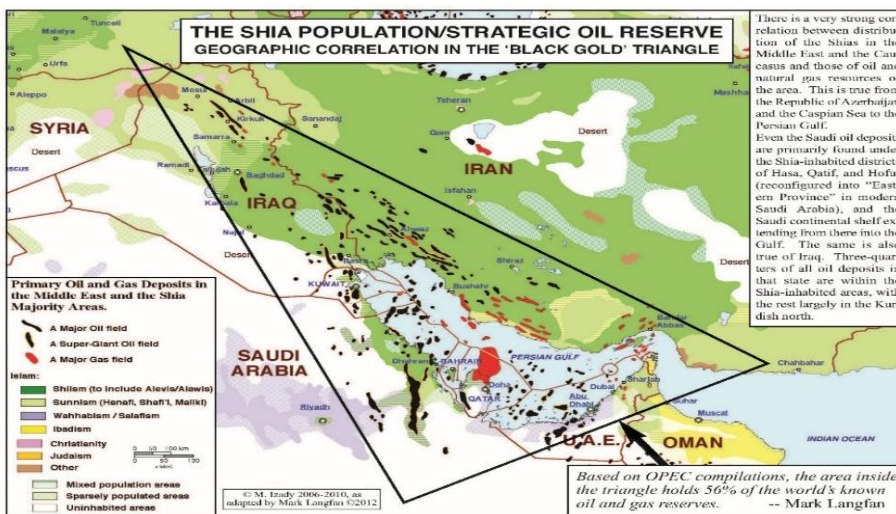
نقشه شماره ۱- پراکنندگی جغرافیایی شیعیان (منبع: www.pbs.org)

در مورد جمعیت کشورهای شیعه بر اساس مراکز آمار جهانی، کل شیعیان در ۱۰۰ کشور از جهان زندگی می‌کنند که نزدیک به ۳۲۰ میلیون جمعیت دارند در این میان بیشترین جمعیت شیعیان در منطقه خلیج فارس حضور دارند. به این صورت که ایران به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور شیعه‌مذهب منطقه با ۹۴ درصد، عراق ۶۵ درصد، بحرین حدود ۶۰ درصد، کویت ۳۵ درصد، سوریه ۲۰ درصد، امارات متحده حدود ۱۵ درصد (از جمعیت شیعیان که اکثریت در شیخ‌نشین دبی زندگی می‌کنند) قطر ۵ درصد (کمترین جمعیت شیعه در حاشیه خلیج فارس) و در شبه‌جزیره عربستان، یمن حدود ۴۰ درصد، عربستان ۲۰ درصد (اکثریت در منطقه نفت‌خیز، شرق عربستان) و عمان با ۵ درصد اکثریت شیعیان منطقه را تشکیل می‌دهند. از میان کشورهای شیعیان آن در اکثریت هستند یعنی ایران، عراق و بحرین و نیز امیرنشین دبی، فقط در ایران رئیس حکومت شیعه‌مذهب است و در کشورهای دیگر رئیس حکومت اهل تسنن است. از آنجاکه ایران بیش از ۴۰ درصد کل جمعیت شیعیان جهان را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین در این موضوع که ایران کانون جوامع شیعی جهان به‌شمار می‌رود، هیچ‌گونه ابهامی باقی نمی‌ماند. تجانس مذهبی همراه با کثرت جمعیت تنها در کشور ایران دیده می‌شود و همین امر یکی از عوامل مهم قدرت ایران در منطقه خلیج فارس است (حافظ نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). بیشترین شیعیان در کشورهای زندگی می‌کنند که عمدتاً در اطراف ایران هستند و بیشتر آن‌ها با ایران پیوستگی جغرافیایی (مرز خشکی یا آبی) دارند. عراق، بحرین، آذربایجان، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان، افغانستان، امارات متحده کویت، قطر و عمان از جمله این کشورها به‌شمار آیند. علاوه بر این‌ها کشورهای هستند که جمعیت فراوانی شیعه در آن‌ها زندگی می‌کنند اما پیوستگی بلافاصله ایران قرار

ندارند. این گروه از کشورها نیز از این نظر که همگی در قاره آسیا واقع شدند و باهم وجه اشتراک دارند، لبنان، یمن، سوریه، هند، تاجیکستان و ازبکستان از جمله این کشورها هستند. به این مناطق شیعه‌نشین باید شیعیان پراکنده در سایر نقاط جهان را نیز اضافه نمود. شیعیان که در خارج از آسیا و عمدتاً در اروپا، آفریقا و آمریکا زندگی می‌کنند. بنا بر آنچه گفته شد به نظر می‌رسد که می‌توان از دیدگاه جغرافیایی جوامع گوناگون شیعه را به چهار بخش زیر تقسیم‌بندی کرد: الف- شیعیان ایران. ب- شیعیان پیرامون ایران. ج- سایر شیعیان آسیا. د- گروه‌های پراکنده شیعه در سایر نقاط جهان (احمدی، ۱۳۸۶: ۴۵).



مدل شماره ۱-مرکز - پیرامون قلمروهای شیعی جهان (مدل از عباس احمدی، ۱۳۸۷: ۳۷)



نقشه شماره ۲- پراکندگی شیعیان در پیرامون ذخایر انرژی خلیج فارس

(www.geostrategicinsights.files.wordpress.com) منبع:

موقعیت ژئوپلیتیک ایران و عربستان سعودی در منطقه

ایران در منطقه آسیای جنوب غربی در حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس واقع شده است، این منطقه از ۵ حوزه ژئوپلیتیکی تشکیل شده است که ایران نقطه کانونی و محل تلاقی این مناطق به شمار می آید که به دلیل ویژگی های ژئوپلیتیکی صحنه رقابت قدرت های بحری و بری می باشد و وجود تنگه هرمز موقعیت منحصر به فردی به کشورهای منطقه به خصوص ایران داده است. ایران به خاطر داشتن جمعیت زیاد، ثبات سیاسی، منابع بالقوه اقتصادی و از همه مهم تر داشتن بیشترین ساحل در خلیج فارس و تسلط بر تنگه ای استراتژیک هرمز و همچنین اتصال آن به کشورهای آسیای مرکزی و دریای خزر، همانند پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا اهمیت ژئوپلیتیک فوق العاده ای دارد. و همچنین به دلیل برخورداری از پتانسیل هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، منابع فراوان گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای یک جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز در کشورهای منطقه می باشد (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۱۲)

ویژگی هایی که موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی به ایران داده همواره باعث شده است که در سیر تحولات استراتژیک به خصوص در یک قرن اخیر، به عنوان یکی از اجزای لاینفک نظریه های جهانی ژئوپلیتیک محسوب شود. این عوامل آشکارا تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران، بازتاب خود را در

مسائل سیاسی داخلی، مناسبات، روابط خارجی و استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ بر جای نهاد و پس از آن نیز، رفتار، سمت‌گیری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی، همواره و در طول بیش از چهار دهه از عمر خود بر تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای اثرگذار بوده و متقابلاً هم از آنها تأثیر گرفته است (اعظمی، ۱۳۸۶: ۱۵۴-۱۱۹).

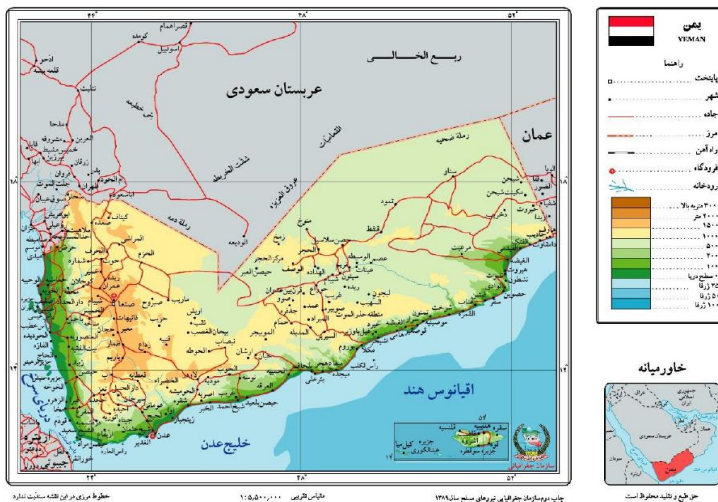
از سوی دیگر بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی عربستان سعودی نشان می‌دهد که این کشور در منتهی‌الیه جنوب‌غربی قاره کهن آسیا با حدود سه میلیون و دویست کیلومتر مربع مساحت بزرگ‌ترین شبه‌جزیره جهان در محل تلاقی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد؛ و از طرف شرق به خلیج فارس و دریای عمان، از جنوب به اقیانوس هند و خلیج عدن از غرب، به دریای سرخ و از شمال به دره فرات و سرزمین‌های سوریه و اردن منتهی می‌شود. عربستان به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، در حوزه خلیج فارس نسبت به کشورهای عضو شورای همکاری نقش اصلی و قدرتمندی داشته و دارد و نسبت به آنان به‌عنوان برادر بزرگ‌تر عمل می‌کند. نحوه و طریق تأثیرگذاری عربستان سازمانی، دینی و مذهبی، قدرت مالی و نظامی است (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۵۷). عربستان سعودی در چارچوب شورای همکاری و از طریق سازمان اوپک، به‌عنوان ام‌القری مذهب و هابیت و به‌عنوان قدرت مالی، پولی و ثروت اعمال قدرت می‌کند؛ و به‌دلیل دسترسی به دو آبراه مهم جهان خلیج فارس و دریای سرخ از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی برخوردار است. باین‌وجود ایران و عربستان به‌دلیل قرارگیری در شمال و جنوب خلیج فارس که منبع اصلی انرژی جهان محسوب می‌شوند و به‌دلیل داشتن ذخایر نفتی، گازی فراوان و عوامل ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه از اهمیت بسیار بالای برخوردار می‌باشند که به همین واسطه به رقبای طبیعی یکدیگر بدل شده‌اند. این دو کشور که از قدرت‌های مهم منطقه محسوب می‌شوند در پی افزایش نفوذ خود در منطقه و نیز در جهان اسلام می‌باشند که روابط بین آنها یکی از پیچیده‌ترین روابط سیاست خارجی در منطقه جنوب غرب آسیا است که در فضای ژئوپلیتیک و ژئوکالچر قرار دارد. از آنجاکه کنش در چنین فضاهایی ماهیت رقابتی پیدا می‌کند شاهد تقابل دو بازیگر در فرایندهای معطوف به بحران و همچنین تنش در روند تحولات منطقه‌ای هستیم به‌دلیل ماهیت رقابتی روابط دو کشور و طرح این رقابت در فضاهای کنش و بحران، هر از گاهی شاهد تنش در روابط متقابل هستیم که در برهه‌ای این تنش ماهیت تقابلی نیز به خود می‌گیرد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۶۱).



نقشه شماره ۳- موقعیت ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا (ترسیم از محمودزاده، ۱۳۹۵: ۳۵)

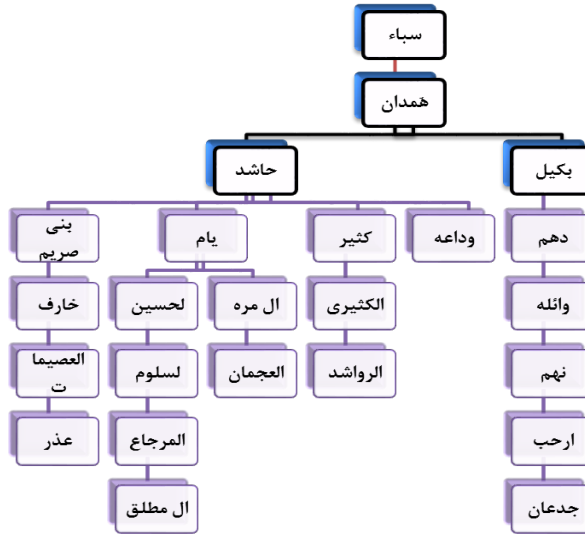
یمن

یمن در جنوب غربی آسیا و در جنوبی ترین بخش شبه جزیره عربستان سعودی قرار گرفته این کشور در زاویه جنوب غربی تقریباً بین ۲۰-۱۲ درجه عرض شمالی و ۵۴-۴۱ درجه طول شرقی جغرافیایی قرار گرفته (مظفر، ۱۳۹۱: ۲۰۱). و از شمال به عربستان سعودی، از مشرق به عمان، از جنوب به خلیج عدن و از مغرب به دریای سرخ محدود است. در شمال، مرز بین یمن و عربستان سعودی از جنوبی ترین نقطه عربستان در ساحل دریای سرخ، از ۱۰ مایلی شمال «میدی» شروع شده و در شرق تا تپه‌هایی که در فاصله ۳۰ مایلی ساحل قرار دارد، ادامه می‌یابد و از آنجا رو به سمت شمال و به ۵۰ مایلی دریاچه «صعده» در داخل یمن می‌رسد، سپس در جهت شرق و جنوب به صحرای نزدیک نجران منتهی می‌شود. مساحت این کشور تقریباً ۵۳۶۸۶۹ کیلومتر مربع و دارای ۱۹۰۶ کیلومتر خط ساحلی است (کریم‌لو، ۱۳۹۴: ۱۰). جمعیت این کشور با توجه به آمارهای سال ۲۰۲۰ میلادی، بیش از ۲۹ میلیون نفر است که مسلمانان ۹۷ درصد / سنی ۵۷ درصد شیعه حدود ۴۰ درصد و هندو، مسیحی و یهودی ۳ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند موقعیت این کشور در باب المندب، جایگاهی کلیدی در حمل و نقل بین‌المللی دارد. همچنین این کشور دارای گروه‌ها و احزاب سیاسی متعددی است که مهم‌ترین گروه‌ها همچون انصار الله، کنگره ملی خلق، حراک، انصار الشریعه و حزب تجمع یمنی برای اصلاح، می‌باشد.



نقشه شماره ۴- جغرافیای سیاسی یمن (منبع: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح)

قبایل، ۸۵ درصد از جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند و ۱۶۸ قبیله در این کشور وجود دارد. ترکیب گروه‌های سیاسی در یمن از آنجاکه همچنان ابعاد قبیله‌ای در این کشور پررنگ است، کمی پیچیده‌تر از سایر کشورهای عربی است (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹). از مهم‌ترین قبایل یمن دو قبیله «حاشد» و «بکیل» است که قبایل دیگری را تحت فرمان خود دارند. دو قبیله فوق که قبایل متعدد کوچک دیگری را تحت نفوذ خود دارند، پیوسته با یکدیگر اختلاف دارند که گاهی این اختلافات منجر به جنگ‌های طولانی شده‌است. قبایل بزرگ شمالی غیر از حاشد عبارت‌اند از: خیمه، ارحب، جهم، نهم، مذحج، سنحان و قبایل جنوب عبارت‌اند از: عوادل، یافع، فضلی، ضالع، دفینع، ردفان، مکلا و حامیو... (کریم‌لو، ۱۳۹۴: ۲۰).



نمودار شماره ۱- سلسله قبايل بزرگ یمن (ترسیم از محمودزاده، ۱۳۹۵: ۳۹)



نقشه شماره ۵- پراکندگی جغرافیای قبايل یمن (منبع: www.ar.wikipedia.org)

شیعیان یمن و تاریخچه اجتماعی - سیاسی

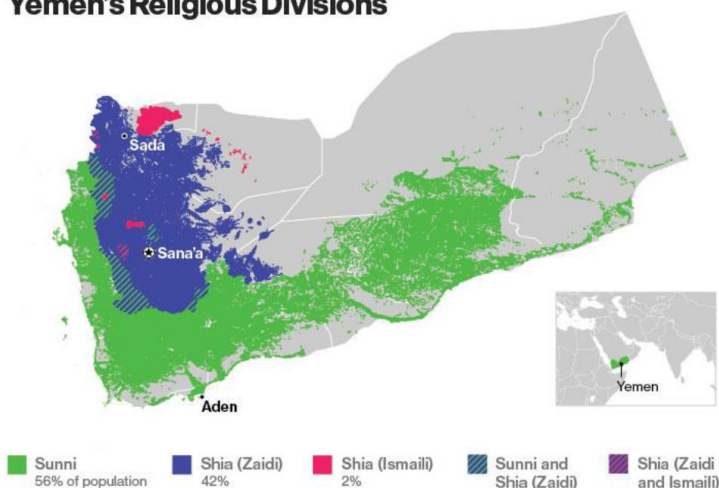
مردم یمن در ۱۴۰۰ سال پیش، هم‌زمان با شروع دعوت پیامبر، در زمان حیات حضرت به اسلام گرویدند. به‌همین خاطر دین رسمی آن‌ها اسلام است. اکثریت جمعیت آن‌ها از شیعیان زیدیه و شافعی مذهبان تشکیل شده است. شیعیان زیدیه بیشتر در نواحی کوهستانی در یمن شمالی سکونت دارند. شافعی‌ها نیز، اکثریت مردم جنوب را تشکیل می‌دهند. در بخش جنوبی یمن تنها در حدود ۷ الی ۸ هزار

نفر شیعه زندگی می‌کنند که بیشتر در استان عدن هستند (کریم‌لو، ۱۳۹۴: ۳۳). زیدیه به جنبش شیعیان طرفدار زید، پسر علی بن حسین (امام سجاد «ع») اطلاق می‌شود. زید در ماه صفر ۱۲۲ هجری قمری بر ضد هشام بن عبدالملک، خلیفه اموی، قیام کرد. در این قیام زید کشته شد و بسیاری از پیروانش نیز به قتل رسیدند و جنبش او با شکست روبرو شد. زید بن علی دارای عقاید و اصولی بود که بر مبنای آن‌ها مذهب زیدیه شکل گرفت. از جمله عقاید او این بود که شیخین (ابوبکر و عمر) امامان انتخابی بوده‌اند. گرچه حضرت علی (ع) بر آن‌ها ترجیح داشت (جعفری، ۱۳۹۴: ۲۹۴).

یکی از افتخارات یمنی‌ها این می‌باشد که به‌وسیله حضرت علی (ع) به اسلام گرویدند. پیامبر بعد از اینکه یکی از یارانش نتوانست اسلام را در یمن گسترش دهد حضرت علی (ع) را روانه یمن می‌سازد تا به‌وسیله ایشان اسلام را در این منطقه گسترش دهد (مطهری، ۱۳۶۲: ۸۹). اولین کسی که در یمن، مردم را به مذهب زیدیه دعوت کرد، یحیی بن حسین رسی علوی در قرن سوم هجری است. او از پیروان های زید بن علی بود که از عراق به یمن کوچ کرد و در «صعده» اقامت کرد و در آنجا به نشر و ترویج این مذهب پرداخت. بدین ترتیب مذهب زیدیه در یمن نفوذ کرد (مظفر، ۱۳۹۱: ۲۱۳). یحیی بن حسن قاسم در سال ۲۸۰ هجری در یمن پایه‌گذار حکومتی مستقل به‌نام شیعیان زیدیه شد. از آن‌پس تا دوران معاصر، یمن به‌ویژه بخش شمالی آن به پایگاه‌های سنتی شیعیان تبدیل شده است در اواخر قرن ۱۰ هجری ترکان عثمانی به‌تدریج بر یمن مسلط شدند و عرصه را برای امامان زیدیه تنگ کردند. و در اوایل قرن ۱۳ یمن بار دیگر به اشغال عثمانی درآمد. تا اینکه امپراتوری عثمانی در سال ۱۳۳۷/۱۹۱۸ در جنگ جهانی اول از بین رفت و شرایط برای امامت فرزند حمید الدین مهیا شد و وی توانست بر یمن مسلط شود. (فرمانیان و موسوی نژاد، ۱۳۸۶: ۹۰) در سپتامبر ۱۹۶۲ کودتایی در یمن شکل گرفت. این کودتا توسط عبدالله سلال شکل گرفت. از آن زمان به‌بعد حکومت جمهوری در یمن اعلام شد و امامان زیدیه از عرصه قدرت کنار رفتند (کریم‌لو، ۱۳۹۴: ۷۳). در سال ۱۹۶۷ حکومت نسبتاً میانه‌رو به رهبری قحطان الشیبی در یمن جنوبی مستقر و استقلال آن کشور اعلام شد. با جدایی دو قسمت جنوبی و شمالی یمن از یکدیگر، «جمهوری دموکراتیک خلق یمن» در قسمت جنوبی و «جمهوری عربی یمن» در قسمت شمالی به وجود آمدند. در نوامبر ۱۹۸۸ رئیس‌جمهور یمن شمالی «صالح» و دبیر کل حزب سوسیال یمن جنوبی «علی سالم البیض» و «اریانی» موافقت‌نامه‌ای جهت اتحاد دو کشور به امضاء رساندند. و دو یمن با یکدیگر متحد شدند و به‌نام «جمهوری یمن» کشور جدیدی به وجود آمد. روز بعد جلسه مشترکی در مجلس تشکیل و یک شورای ۵ نفر ریاست‌جمهوری را به ریاست «علی

عبدالله صالح» انتخاب کرد (کریملو، ۱۳۹۴: ۱۹۴-۱۹۳). صالح از سال ۱۹۹۰ تا ۴ ژوئن ۲۰۱۱ رئیس‌جمهور یمن بود. او از سال‌های میانی دهه ۲۰۰۰ با ایالت متحده آمریکا و عربستان سعودی قرار داده‌های اقتصادی و نظامی به امضاء رسانده‌است. این امر باعث نزدیکی یمن و آمریکا و عربستان گردید. شیعیان زیدیه در قسمت شمالی یمن با کشور عربستان هم‌مرز هستند در پی نزدیکی دولت صالح به عربستان، فشار بر شیعیان ساکن در این استان مرزی افزایش یافته است. نحوه حکومت علی عبدالله صالح از یک‌سو آموزه‌های زیدیه از سوی دیگر منجر به شکل‌گیری جنبش الحوثی گردید.

Yemen's Religious Divisions



نقشه شماره ۶- پراکندگی شیعیان و سنی‌های یمن (منبع: www.reddit.com)

اهمیت ژئوپلیتیکی یمن

۱- اهمیت ژئوپلیتیکی یمن در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی

یمن کشوری عرب در حوزه دریای سرخ است که پیش از وحدت، در قالب یمن شمالی و جنوبی در منطقه حیات داشت. یمن موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد و بسیار چشمگیری دارد که آن‌ها از نظر استراتژیک پراهمیت ساخته، با نگاهی به نقشه می‌توان به‌سادگی نسبت آبراه باب‌المندب، خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند و همچنین شبه‌جزیره عربستان، غرب آسیا، شمال آفریقا و شاخ آفریقا را مشاهده کرد.



نقشه شماره ۷- موقعیت استراتژیک یمن و تنگه‌های بین‌المللی

(منبع: www.encyclopediageopolitica.com)

یمن که حاصلخیزترین خطه شبه‌جزیره عربستان به‌شمار می‌آید و با ساحلی به طول دو هزار و ۴۰۰ کیلومتر، دروازه طبیعی جنوبی و جنوب‌غربی شبه‌جزیره و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس است. همچنین توجه به تسلط یمن بر خلیج عدن و آبراه باب‌المنندب که نقطه اتصال اقیانوس هند با دریای سرخ است، بیانگر اهمیت فوق‌العاده این کشور در جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه است. در مثلث طلایی سه تنگه راهبردی هرمز، مالاگا و باب‌المنندب، بالغ‌بر دوسوم حمل‌ونقل دریایی جهان و به‌تعبیری اقتصاد جهان جریان دارد. به‌خصوص اینکه این تنگه‌ها قسمتی از مسیر تجارت انرژی جهانی را تشکیل می‌دهند. باب‌المنندب، آبراهی است که یمن به‌واسطه جزیره پریم «یا میون»^۱ می‌تواند به‌سادگی آن را ببندد یکی از رئوس این مثلث طلایی است (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۷۸).

۲- اهمیت ژئوپلیتیکی یمن برای عربستان سعودی

یمن همواره یکی از نقاط آسیب‌پذیر برای عربستان محسوب شده‌است. علت عمده آن علاوه بر حضور حوثی‌ها در شمال و نیز فعالیت گروه القاعده در این کشور، به اختلافات مرزی صنعا و ریاض و نیز موقعیت یمن در ورودی شرقی دریای هرمز و تأثیر آن بر جریان عبور و مرور از تنگه باب‌المنندب

^۱ - Mayyun

که مسیر ترانزیت نفت است، بازمی‌گشت. تحولات یمن از گذشته دور و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن به‌منزله چالشی پیشروی سعودی بوده است. ضمن اینکه با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، یمن تنها کشور شبه‌جزیره عربستان بود که در پیوند با سعودی قرار نگرفت. در جریان جنگ ایران و عراق، یمن جنوبی که در بلوک شرق قرار داشت، به انتقاد از حمله عراق به ایران پرداخت درحالی‌که یمن شمالی در روابط نزدیک با عربستان در جریان جنگ، به حمایت از عراق پرداخت. در کنار ابعاد ژئوپلیتیکی و از منظر هویتی نیز تحركات شیعیان و حوثی‌های یمن موجب توجه بیشتر عربستان و هابی که در تضاد با تفکرات زیدیه و شیعه بود، به یمن به‌ویژه از سال ۲۰۰۴ م شد (علیخانی، ۱۳۹۳: ۳۲).

۳- اهمیت ژئوپلیتیکی یمن برای جمهوری اسلامی ایران

در نگاه ایران، یمن در کنار سودان یک وزنه تعادل در دریای سرخ - حیات خلوت سعودی - در برابر خلیج فارس بود. به همین دلیل یمن همواره در کانون توجه و نگرانی سعودی قرار داشته‌است. به‌گونه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ سعودی استراتژی امنیتی خود را بر تضعیف عراق و مقابله با احیای تهدید یمن قرار داده بود. یکی دیگر از دلایل اهمیت یمن برای جمهوری اسلامی ایران، ژئوپلیتیک یمن است (نجات، ۱۳۹۳: ۷). موقعیت گسترش نفوذ جنبش انصارالله و شیعیان الحوثی در یمن و سایه تسلط بر تنگه راهبردی باب المندب، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان و رگ حیاتی کشتیرانی در کانال سوئز، در کنار تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کرده و تردد دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس را به کنترل درآورد که این موضوع چشم‌اندازی هشداردهنده برای طرف‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است که از نفوذ فزاینده ایران در منطقه نگران هستند. (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۸۷)

بازیگران داخلی یمن

بازیگران اصلی عرصه سیاسی یمن در سال‌های اتحاد آن در چند جناح کلی قابل‌شناسایی هستند:

۱- جنبش انصارالله

بدون تردید جنبش انصارالله، قدرتمندترین و سازمان‌یافته‌ترین گروه سیاسی - نظامی یمن محسوب می‌شود جنبش انصارالله در واقع ریشه در جریان حوثی دارد که نخستین بار در سال ۱۹۹۰ به عنوان جنبش یا سازمانی فکری سیاسی ابزار وجود کرد. حوثی‌ها از شیعیان زیدیه هستند که از نظر اعتقادی به شیعیان دوازده‌امامی در ایران، عراق و لبنان نزدیک هستند، این گروه نام خود را از یکی از

رهبران خود بنام بدرالدین الحوثی گرفته‌است و در حال حاضر نیز فرزند این فرد رهبری سیاسی حوثی‌ها را بعهدہ دارد. زیدی‌ها بیش از هزار سال در یمن قدرت سیاسی را بدست داشتند تا اینکه در کودتای سال ۱۳۴۰ علیہ حکومت زیدیه در معرض خطر جدی نابودی قرار گرفتند به طوری که بخش زیادی از زیدیان یمن به مذهب سنی گرویدند. بعد از انقلاب اسلامی ایران این اقلیت شیعه در یمن جان گرفت و عصام العمدادی یکی از مفتیان سابق سنی که به شیعه گرویده، گفته‌است که اگر انقلاب اسلامی ایران نبود مذهب زیدی در یمن از بین می‌رفت بعد از انقلاب ایران و انتشار کتاب‌های شیعه در این کشور زیدی‌ها به مذهب زیدی خود برگشتند و ایران نه تنها موجب بازگشت زیدی‌ها به شیعه شد بلکه باعث زنده شدن فرهنگ جهادی در بین آن‌ها گردید. حوثی‌ها بعد از وحدت دو یمن شمالی و جنوبی با تأسیس حزب الحق موجودیت خود را اعلام کردند و به یکی از مهم‌ترین نیروهای سیاسی مذهبی این کشور تبدیل شدند (Johnsen, 2009: 76-77). جنبش الحوثی با اتکا به قدرت نظامی و البته مشروعیت سیاسی، پس از گسترش بیداری اسلامی در کشورهای عربی منطقه، توانست رهبری انقلاب را به دست گرفته و پس از یک سلسله پیشروی‌ها در سپتامبر ۲۰۱۴ و واپایش صنعا پایتخت یمن را به دست گرفت. مواضع و راهبرد جنبش مردمی انصارالله به جمهوری اسلامی ایران نزدیک است این جنبش همچنین توانسته است با ایجاد وحدت ملی و ثبات اجتماعی از طریق هم‌پیمانی با قبایل، حوزه نفوذ خود را گسترش دهد، در عین اینکه به شکلی هوشمندانه از قبضه کردن قدرت سیاسی اجتناب کرده است.

۲- گروه‌های تکفیری

۲- ۱ القاعده:

القاعده یمن موسوم به «القاعده در شبه‌جزیره عرب» (AQAP)⁴ را می‌توان فعال‌ترین و خطرناک‌ترین شاخه (انصارالشریعه) از گروه تروریستی - نظامی القاعده در جهان دانست که از زمان دقیق شکل‌گیری آن در یمن اطلاعاتی در دست نیست اما می‌توان گفت این گروه فعالیت خود را ابتدا در عربستان سعودی آغاز کرد. ریشه‌های القاعده در یمن به زمان جنگ شوروی-افغان از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ بازمی‌گردد. یمن پس از عربستان سعودی دومین منبع عمده تأمین مبارزان اسلام‌گرا علیہ شوروی

4- Al-Qaeda in the Arabian Peninsula

در افغانستان بود. (Dwyer, 2010: 23). یکی از اولین عملیات القاعده در یمن که پیش از سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده را متوجه خطر یمن کرد، حمله اکتبر ۲۰۰۰ نیروهای القاعده به ناو جنگی «یواس اس کول ۳» ایالات متحده در بندر عدن بود که به کشته شدن ۱۷ سرباز آمریکایی انجامید (Alterman, 2010: 5). اما پس از حمله این گروه به محل سکونت غربی‌ها در ریاض در سال ۲۰۰۳ و سرکوب شدید از جانب آل سعود ناگزیر به یمن سرازیر شده و در این کشور پناهگاه امن پیدا کرد. ضعف دولت مرکزی، دسترسی آسان به سلاح، بافت قبیله‌ای و سستی کشور، فقر گسترده اقتصادی و فرهنگی در یمن و در پایان استفاده کشورها و جریان‌های مختلف از برگه القاعده برای تأمین منافع خود، موجب تشدید و تقویت پایه‌های القاعده در یمن شده‌است. القاعده با راهکارهایی چون کمک اقتصادی به قبایل و ایجاد پیوندهای سببی از طریق ازدواج جنگجویان با اعضای خانواده قبایل، بر دامنه نفوذ و قدرت خود افزوده‌است. (گلی، ۱۳۹۴: ۲۲). آغاز خیزش‌های مردمی در یمن در سال ۲۰۱۱ و خلأ قدرت ناشی از این تحولات و دامنه‌دار بودن نابسامانی‌های سیاسی-امنیتی پس از سقوط صالح، یکی از این بحران‌هاست که بر گسترده‌گی و تحکیم موقعیت القاعده در یمن افزوده‌است.

۲-۲ داعش (دولت اسلامی)

دولت اسلامی عراق و شام یا داعش، گروهی منشعب از القاعده هستند که منظر گرایش‌ها عقیدتی و فکری و همچنین جنبه رفتاری، رویکردی یکسانی با القاعده هستند. با این حال رفتار این گروه تروریستی در طول یک دهه گذشته و به‌خصوص چند سال اخیر، نشان می‌دهد که این گروه در مقایسه با القاعده دارای افکار رادیکال‌تر و اعمال خشونت‌آمیزی می‌باشند. (Gerges, 2005: 105). هرچند که داعش در شکل کنونی آن محصول بحران سوریه و گسترش اختلافات و منازعه‌های منطقه بعد از ۲۰۱۱ است، اما ریشه‌ها و روند قدرت گرفتن آن به دوره پس از حکومت صدام در عراق، یعنی از سال ۲۰۰۳ به بعد مربوط است. این گروه از زمان شروع جنگ کنونی یمن حضورش را در این کشور اعلام کرده‌است؛ و حضور رسمی خود را با بیانیه‌ای با عنوان «دولت اسلامی - ولایت لحج» در ۲۴ فوریه ۲۰۱۵ اعلام کرد. این گروه تروریستی دشمن اصلی خود را گروه حوثی و رافضیون یمن می‌داند.

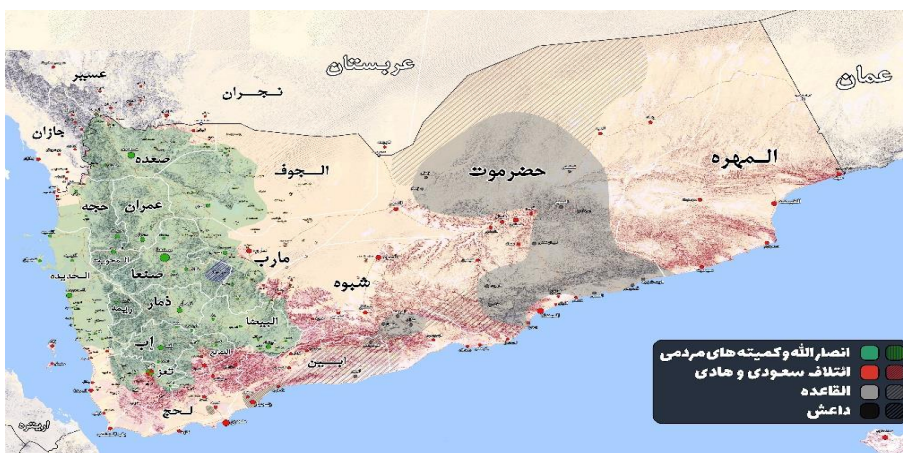
۳- جنبش جنوب (حراک)

حراک جنبشی مردمی در یمن جنوبی سابق است که در سال ۲۰۰۷ ایجاد شده و خواستار جدایی از جمهوری یمن و بازگشت به وضعیت پیش از ۱۹۹۰ به روش‌های مسالمت‌آمیز است. این جنبش که از حمایت بسیاری در جنوب برخوردار است، در دوران پس از علی عبدالله صالح تظاهرات گسترده‌ای

صورت داد. منطقه داله پایگاه جنبش حراک است (نیکو، ۱۳۹۱: ۹). سیاست‌های انحصارطلبانه و تبعیض‌آمیز علی‌عبدالله صالح در هر دو دوره قبل و بعد از اتحاد یمن نسبت به مناطق جنوبی از جمله سیاست تعیین استانداران این مناطق از میان شمالی‌ها، باعث نارضایتی گروه‌های مختلف جنوب شد و تداوم این وضعیت، منجر به هم‌بستگی گروه‌های سیاسی حاضر در جنوب حول یک جنبش واحد به نام «جنبش جنوب» گردید. این جنبش که در سال ۲۰۰۷ و به دنبال همه‌گیر شدن اعتراض مردم به تبعیض دولت نسبت به بازنشستگان جنوبی شکل گرفت، به جنبشی برای استقلال‌طلبی استان‌های جنوبی کشور از بخش‌های شمالی تبدیل شد. به همین دلیل، گروه‌های مختلف معترض که در جنوب فعالیت می‌کردند به آن پیوستند. نگاه کلی، می‌توان جنبش جنوب یا حراک جنوبی را به سه دسته کلی جدایی‌طلبان، فدرالی‌ست‌ها و طرفداران حکومت مرکزی تقسیم کرد، شکل‌گیری این جنبش خود تبدیل به فرصتی مهم برای افزایش فشار بر دولت مرکزی شد (Tim Lister, 2011:3).

۴- طرفداران منصور هادی و عربستان

عبدربه منصور هادی که در زمره اهل سنت یمن است و در سال ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور شد. از بازیگران اصلی بحران کنونی این کشور محسوب می‌شود. منصور هادی با فرار به شهر راهبردی عدن ضمن اینکه تلاش کرد دولتی موازی در این شهر جنوبی تشکیل دهد، از عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس خواست تا در یمن مداخله نظامی کنند. درحالی‌که با تصرف عدن توسط انصارالله موقعیت منصور هادی و هواداران وی در این شهر به شدت تضعیف شده بود با حمله عربستان بار دیگر هواداران منصور هادی با نیروهای انصارالله درگیر شده ضمن اینکه بخشی از ناامنی‌های کنونی یمن را تشکیل می‌دهند، با ائتلاف نظامی علیه کشور نیز همکاری می‌کنند؛ اما نکته مهم این است که منصور هادی میان اکثریت جمعیت یمن بی‌اعتبار است. عربستان سعودی به منظور حمایت از منصور هادی، از ابتدا حمله ائتلاف، تلاش بسیاری داشته که نیروهای انصارالله را زمین‌گیر کند اما با پیچیدگی معادلات یمن عربستان به خواست‌های خود در یمن نرسید (عمادی، ۱۳۹۴: ۲۳).



نقشه شماره ۸- آخرین مناطق تحت سیطره گروه های مختلف یمنی (منبع: www.iswnews.com)

یافته های تحقیق

روابط کشورهای ایران، عربستان و یمن

روابط ایران و یمن

دو کشور ایران و یمن از قرن ها پیش صاحب تمدن های کهن و فرهنگی درخشانی بوده اند و در حال حاضر از موقعیتی استراتژیک در خلیج فارس و دریای سرخ برخوردار می باشند و علی رغم مسافت طولانی، دو کشور از نظر فرهنگی بسیار به هم نزدیک هستند این قرابت ریشه در روابط تاریخی دو ملت داشته و هر روز بیشتر و عمیق تر شده است و دو کشور ایران و یمن، بر حسب اوضاع و احوال و به مقتضای زمان با یکدیگر مناسبات فرهنگی و بازرگانی داشتند و می توان مبدأ این رابط را به روزگار مربوط دانست که پیشتر از آن سپاه ایران در تعقیب سپاه پوستان سواحل شرقی عربستان، از عمان گذشته و به سرزمین «مهرة» در شرق حضر موت رسیدند. (امیردهی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

روابط یمن شمالی و جمهوری اسلامی ایران

جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) تا کودتای ۱۹۶۲ که رژیم جمهوری روی کار آمد، توسط امامان اداره می شد که فرمانروایان آن علاقه چندانی به ارتباط با ممالک دیگر نداشت و مردم آن سرزمین را از تحولات جهان بی خبر نگه داشته بودند. با وجود این در سال ۱۹۶۳، وزیر دربار امام یمن به نام «سید محمد» به ایران مسافرت نمود و در سال ۱۳۲۹ هجری، شخصی به نام عباس خلیلی به عنوان اولین سفیر فوق العاده و نماینده ویژه ایران به یمن اعزام گردید و پس از پایان جنگ در شهریور ۱۳۴۹ جمهوری

عربی یمن از طریق سفارت ترکیه در بیروت، از دولت وقت ایران درخواست به رسمیت‌شناختن آن کشور را نمود. دولت ایران در ۱۸ شهریور همان سال، حکومت جدید جمهوری عربی یمن را به رسمیت شناخت (کریم‌لو، ۱۳۹۴: ۵۴).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یمن شمالی جزو اولین کشورهایی بود که در ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. یمن شمالی پیوسته خود را طرفدار انقلاب اسلامی ایران نشان داده ولی با توجه به روابط آن با کشورهای عربی و شرایط خاص این کشور، رفتار محافظه‌کارانه داشته و به نحوه‌ای عمل کرده که آن‌ها را از خود نرنجانند. با شروع جنگ تحمیلی، جمهوری یمن از عراق حمایت کرده. در دومین سالگرد پیروزی به‌منظور شرکت در برگزاری مراسم ۲۲ بهمن در صنعا، هیئتی به سرپرستی شهید حجت‌الاسلام غلامحسین حقانی به آن کشور مسافرت و در مراسم فوق شرکت نمودند (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۶). شهید حقانی همچنین در «مسجد بزرگ» آن شهر در میان استقبال زیاد مردم، سخنرانی پرشوری ایراد نمود. این مسافرت و سخنرانی چنان اثر عمیقی در دولت و مردم یمن شمالی گذاشت که سران عربستان سعودی و عراق را به وحشت انداخت و با متوسل شدن به اهرام فشار به‌ویژه اقتصادی، یمن را وادار به اخراج کاردار جمهوری اسلامی ایران نمودند. سرانجام پس از یک رکود چندساله و پس از وحدت دو یمن در ۲۲ مه ۱۹۹۰، در بهمن‌ماه ۱۳۷۰ روابط جدید با سفر شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی و ... طرفین از سر گرفته شد.

روابط جمهوری دموکراتیک خلق یمن جنوبی با جمهوری اسلامی ایران

از زمان به استقلال رسیدن یمن جنوبی در ۱۹۶۷ و تشکیل حکومت مستقل تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بین دو کشور روابط سیاسی وجود نداشت. با مداخله رژیم سابق ایران در جنگ ظُفّار، مناسبات خصمانه‌ای را میان یمن جنوبی به وجود آورد، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ مقامات این کشور برای برقراری روابط با جمهوری اسلامی ایران تمایل نمودند و نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور را لازم دانسته و توصیه می‌نمودند (کریم‌لو، ۱۳۹۴: ۶۱). دولت یمن جنوبی برای نشان‌دادن حسن‌نیت خود، یک خلبان اسیر ایرانی را که از ۱۹۶۷ به‌علت سقوط هواپیمایش در مرز ظُفّار دستگیر شده بود، با وساطت جبهه آزادی‌بخش خلق عمان آزاد نمود. سرانجام با سفر نماینده جمهوری اسلامی ایران در کویت به عدن در اواخر اسفند ۱۳۵۸ با صدور اعلامیه مشترک، برقراری روابط سیاسی بین دو کشور اعلام گردید. این روابط با رفت‌وآمد برخی از مقامات دو کشور همواره تا اتحاد دو یمن در شدت و ضعف بود.

روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری یمن

پس از پایان جنگ ایران و عراق روابط دو کشور تعریف مشخصی نداشت و با اتحاد دو یمن شمالی و جنوبی در سال ۱۹۹۰ میلادی روابط ایران و یمن همچنان تحت تأثیر سیاست‌های کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قرار داشت در این سال سفارت جمهوری اسلامی ایران در یمن به کنسولگری تبدیل شد و بعداً به علت عدم وجود ایرانیان در آن کشور در اواخر سال ۱۳۷۱ کنسولگری بسته شد و ایران فقط یک نمایندگی روابط فرهنگی در یمن داشت. این روابط نسبتاً کم ادامه داشت تا روابط ایران و یمن بعد از بحران در یمن وارد مرحله تازه‌ای شد به طوری که ایران به طور غیر مستقیم از حوثی‌ها که یکی از مهم‌ترین گروه‌های سیاسی و مذهبی یمن بودند حمایت کرد که در این مورد عربستان از نفوذ و حمایت ایران در یمن احساس خطر کرد و بعد از فرار رئیس‌جمهور یمن به عربستان، در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ عربستان سعودی و متحدینش در یک کمپین نظامی با ادعای بازگرداندن ثبات به یمن عملیات توفان قاطع را شروع کردند. برای عربستان پذیرش یک دولت شیعه تحت نفوذ ایران قابل تحمل نبود و پیروزی حوثی‌ها در تصرف تمامی یمن را سرآغازی برای ناامنی در کشور عربستان می‌پنداشتند در سال ۲۰۱۵ چند هیئت حوثی به ایران رفته و چندین توافقنامه اقتصادی بین دو طرف امضا شد. از فوریه ۲۰۱۵ ایران روزانه یک پرواز مستقیم به صنعا داشت و بر اثر توافقی بین ایران و حوثی‌ها، ایران، بازسازی بندر الحدیده در نزدیکی باب‌المنذب را در دستور کار خود قرار داده بود که همین مسئله هم باعث شد که عربستان و گروه‌های مخالف حوثی‌ها اتهام ارسال سلاح و تجهیزات به آنها را داده شد و حتی طی چندین مرحله حمله پهپادی به مراکز نفتی در عربستان از طرف حوثی‌ها عربستان ایران را متهم به ارسال پهپاد به حوثی‌ها کند و این مسئله باعث یکی از مناقشات اصلی ایران و عربستان در حال حاضر شود.

رابطه یمن و عربستان سعودی

رابطه یمن و عربستان به دلیل همسایگی و نداشتن خط مرزی معین و سایر عوامل، پیوسته توأم با اختلاف بوده است. ریشه اختلافات مرزی بین دو کشور، به زمان تسلط امپراتوری عثمانی بر این کشور، برمی‌گردد. در آن ایام عدن جزو متصرفات انگلیس شده بود. دو امپراتوری عثمانی و بریتانیا، به موجب معاهده‌ای در ۹ مارس ۱۹۱۴ یک خط مرزی که نقطه ۱۵ مایلی شمال شرقی عدن، در یک خط مستقیم تا جنوب غربی عربستان سعودی کنونی در مرکز رب الخالی کشیده می‌شود، خط مرزی اعلام نمودند. در ۲۰-۱۹۱۹ پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، مقامات یمن روابط خود با سعودی‌ها را بهبود

بخشیده و مذاکراتی را برای حل و فصل اختلافات مرزی آغاز نمودند که نتیجه‌ای نرسید (کریم‌لو، ۱۳۹۴: ۲۳۰). در جنگی که در سال ۱۹۳۴ بین دو کشور یمن شمالی و عربستان رخ داد، نیروهای سعودی بر یمن پیروز شدند و بر اساس توافق‌نامه‌ای که در همین سال در طایف به امضای طرفین رسید، ملک عبدالعزیز پادشاه وقت عربستان سعودی، علاوه بر تحمیل غرامت جنگی بر امام یحیی، مناطق مورد اختلاف یعنی سه استان عسیر، نجران و حیزان (جازان) را تصرف و آن‌ها را به سرزمین خود منضم علاوه بر این از ۱۰ سال پیش تاکنون، این کشور متجاوز از ۱۰ جزیره یمن را نیز به تصرف خود درآورده است. در تابستان ۱۳۷۱ واشنگتن ضمن ارسال پیامی به رهبران هر دو کشور از آن‌ها خواست اختلافات مرزی خود را از طریق مذاکره حل نماید، بدین‌منظور مقامات یمن و عربستان، اولین اجلاس رسمی خود را در ژنو جهت آغاز مذاکرات مرزی برگزار کردند و پس‌از آن تصمیم گرفتند مذاکرات با حضور کارشناسان مربوط در پایتخت‌های دو کشور دنبال شود. (کریم‌لو، ۱۳۹۴: ۲۳۱). تنش‌های درازمدت مرزی یمن و عربستان سعودی با انعقاد موافقت‌نامه ۱۲ ژوئن ۲۰۰۰ در جده به پایان رسید و نقطه عطف تحول روابط این دو کشور گردید.

تحولات یمن و تأثیر آن بر روابط ایران و عربستان

در سال ۲۰۱۱ جهان عرب شاهد اعتراضات مردمی به نظام‌های حکومتی غیر دموکراتیک خود بود که این اعتراضات به بیداری اسلامی و بهار عربی شهرت یافت. در یمن نیز علی عبدالله صالح که برای سه دهه، در رأس هرم قدرت در یمن حضور داشت، از گزند این تحولات مصون نماند. صالح از سویی با توجه به ساختار قبیله‌ای یمن و اختلافات این قبایل با یکدیگر و از سوی دیگر با در اختیار داشتن قدرت انحصاری و حمایت ارتش و قوای نظامی توانسته بود برای سی سال رئیس‌جمهور یمن بماند. علاوه بر نظام حکومتی اقتدارگرا، فقر گسترده‌ی مردم از مهم‌ترین عوامل نارضایتی عمومی در یمن به‌شمار می‌رفت. تحرکات جدایی‌طلبان در جنوب یمن نیز اوضاع این کشور را پیچیده‌تر کرده بود. در شمال این کشور نیز حوثی‌ها به دلیل کنار گذاشته شدن از عرصه‌ی قدرت نسبت به وضعیت موجود اعتراض داشتند. جمیع عوامل فوق باعث شد تا با اوج گرفتن بیداری اسلامی، مردم یمن نیز در ۱۶ فوریه‌ی ۲۰۱۱ در تظاهرات گسترده علیه حکومت علی عبدالله صالح به خیابان‌ها بیایند. در این میان کشورهای همسایه‌ی یمن در شورای همکاری خلیج فارس که دارای نظام‌های مشابه غیر دموکراتیک با این کشور می‌باشند، برای مصون ماندن از تحولات یمن طرحی را ارائه کردند که علی عبدالله صالح

به صورت مسالمت آمیز قدرت را به معاونش «عبدربه منصور هادی» واگذار کند. با ادامه‌ی تظاهرات مردم علیه صالح، وی اعلام کرد در سال ۲۰۱۳ از قدرت کناره گیری می کند. با واگذاری قدرت از سوی علی عبدالله صالح و روی کار آمدن عبدربه منصور به عنوان رئیس جمهور موقت، وی می بایست مقدمات انتخابات ریاست جمهوری را فراهم می کرد. این انتخابات در فوریه ۲۰۱۲ تنها با حضور یک نامزد انتخاباتی برگزار شد و عبدربه منصور رئیس جمهور باقی ماند. حوثی ها به عنوان مهم ترین گروه مخالف در یمن پیش از انتخابات آن را در چارچوب راه حل تحمیل شده از سوی کشورهای دیگر بر یمن عنوان کردند و آن را به منزله‌ی برتری دادن منافع کشورهای دیگر بر منافع مردم یمن خواندند و این انتخابات را توهین به ملت یمن خواندند. این شرایط باعث تداوم اعتراض ها از سوی مردم یمن شد. جنبش انصار الله یا همان حوثی های یمن به رهبری عبدالملک حوثی به عنوان مهم ترین گروه مخالف، رهبری اعتراض ها را به عهده داشتند. تا اینکه لغو یارانه‌ی سوخت از سوی دولت «محمد باسندوه» بهانه‌ی لازم برای بازگشت و تشدید اعتراض های مردمی را فراهم کرد. رئیس جمهور یمن برای آرام کردن اوضاع سرانجام به امضای موافقت نامه‌ی صلح با انقلابیون تن داد. پس از گذشت دو هفته از امضای توافقنامه‌ی صلح و مشارکت با مخالفان، وی «احمد عوض بن مبارک» رئیس دفتر خود را مأمور تشکیل کابینه کرده بود که با مخالفت جریان های سیاسی مخالف این کشور از جمله انصارالله روبرو شد. در سال ۲۰۱۴ پس از آنکه عبدربه منصور هادی و دولت وی نتوانست به تعهدات خویش طبق قرارداد دولت ملی عمل و انتظارات را برآورده سازد، انصارالله و مخالفان دولت با برگزاری اعتراضات به عدم عمل به توافق ملی صنعا را محاصره نمودند و هادی فشارهای مردمی استعفا دادند و به شهر بندری عدن فرار کردند و در آنجا مدعی شد که حتی پس طی دوره‌ی قانونی، رئیس جمهور قانونی یمن است. در سال ۲۰۱۵ (فروردین ۹۴) آل سعود به بهانه حمایت از هادی، حذف انصارالله، جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای رقیب سستی خود در عملیات طوفان قاطع با کمک برخی کشورهای عربی و آمریکا و رژیم صهیونیستی وارد جنگ مستقیم نظامی در یمن شد. پس از حضور عربستان معادلات یمن دچار تغییراتی از جمله تقویت کمیته های مردمی، قرار گرفتن بخشی از ارتش، صالح و انصارالله در یک جبهه برای ایستادگی در مقابل تهاجم آل سعود شد؛ و روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران که سال های گذشته به سردی گراییده بود با حمله نظامی عربستان به یمن و متهم کردن ایران به حمایت های نظامی و سیاسی از جنبش انصار الله، رویه ای تقابلی و تخاصمی به خود گرفت. ترکیب جمعیتی یمن (شیعیان و سنی ها) زمینه کشمکش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را برای افزایش نفوذ

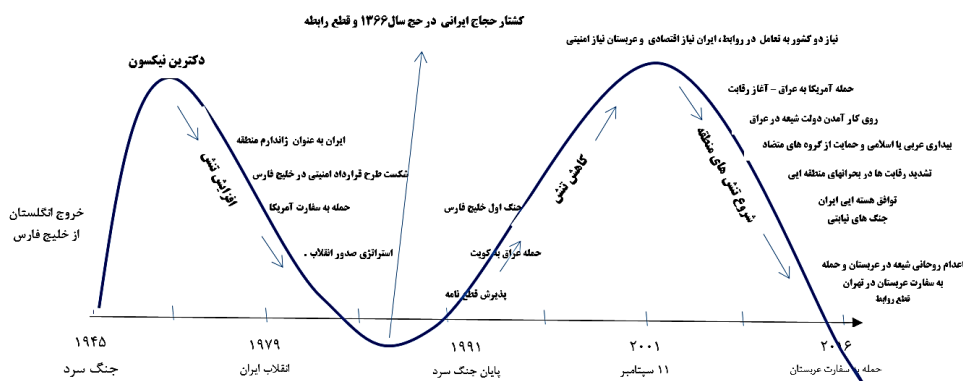
منطقه‌ای تشدید کرد. عربستان جنبش انصار الله یمن را به دنبال الگوبرداری از حزب الله لبنان و ایجاد حکومت اسلامی به سبک ایران در یمن متهم کرد. ایران افزایش نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک خود در یمن را مستلزم رشد انصار الله تصور می‌کند. رقابت دو قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان در یمن، رقابتی ژئوپلیتیکی برای افزایش نفوذ است که بعدی مذهبی به خود گرفته‌است. ریاض با تأکید بر جنگ یمن به‌عنوان جنگ رقابتی و مذهبی با ایران، کشورهای عربی را با خود همراه کرد و ائتلاف عربی - سنی را در منطقه به نمایش گذاشت.

در حال حاضر، یمن مهم‌ترین عرصه رقابت عربستان با ایران پنداشته می‌شود. سعودی‌ها با وقوع انقلاب یمن تلاش کردند تا با فراهم آوردن شرایط برای توافق‌نامه ریاض، انتقال قدرت در این کشور را مدیریت کرده، به‌گونه‌ای که ساختارهای سیاسی حفظ‌شده و طرفداران عربستان در قدرت باقی بمانند؛ اما تنوع گروه‌های سیاسی و فضای ایجادشده پس از انقلاب، تحولات یمن را پیش از پیش پیچیده‌تر کرده است به‌رحال، رقابت و تعارض منافع میان عربستان و ایران در بحران یمن، بازی با حاصل جمع جبری صفر را ایجاد کرده است.

روابط ایران و عربستان؛ منازعه یا تعامل

با نگاهی به تاریخ روابط بین ایران و عربستان می‌توان دریافت که این روابط باوجود اینکه همواره دارای تنش بوده و هرگز شرایط مطلوب نداشته‌است ولی با فرازوفرودهای فراوانی همراه بوده که به شکل یک منحنی سینوسی در نمودار پایین نشان‌داده شده است. بدین صورت که یک نقطه عطف تغییر دهنده در موازنه قوا در منطقه، سبب‌ساز آغاز تحرکات منطقه‌ای برای تغییر این موازنه گردیده که این امر ابتدا به‌شکل رقابت و پس‌از آن وارد فاز تنش و نهایتاً از تنش به منازعه مبدل گردیده‌است و پس‌از آن این کشورها دوره‌ای از تنش‌زدای و بهبود مناسبات را شاهد بوده‌اند که این رفتار و موج سینوسی در روابط دو کشور طی سه دوره اتفاق افتاده که دوره اول آن با آغاز روابط دو کشور در سال ۱۹۲۹ با بستن پیمان مودت شروع گردید که بعد از یک دوره تنش و منازعه روابط دو کشور به‌دلیل اعدام یک زائر ایرانی توسط سعودی‌ها به‌مدت پنج سال از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۸ (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷) قطع گردید. نقطه شروع روابط در دوره دوم را می‌توان قرارگیری دو کشور در بلوک‌بندی جنگ سرد دانست و همین مسئله باعث گردید که دو کشور تا مدت حدود سی سال روابط مسالمت‌آمیز با کمترین تنش را داشته‌باشند که با انقلاب در ایران روابط دو کشور با استراتژی صدور انقلاب از طرف ایران که باعث ناآرامی‌های در برخی کشورهای منطقه هم شد وارد فاز تنش گردید و این تنش با واکنش‌های از طرف عربستان

از جمله همکاری عربستان با آمریکا در حمله به طبس، حمایت سیاسی و مالی عربستان از صدام در جنگ با ایران و... همراه بود که اوج تنش در این دوره که به قطع روابط دو کشور انجامید کشته شدن ۲۷۵ نفر از حجاج ایرانی توسط پلیس عربستان در مراسم براثت از مشرکین در سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) بود که پس از این واقعه عده‌ای از مردم تهران، سفارت عربستان را اشغال و سفارت کویت را به آتش کشیدند و سفیر عربستان زخمی و در راه بیمارستان فوت نمود حتی در این دوران درگیری‌های نظامی بین ایران و عربستان در خلیج فارس در جنگ نفت کش‌ها صورت گرفت. روابط دو کشور بعد از این وقایع به مدت ۳ سال قطع گردید و بعد از این دوره روابط دو کشور با وجود اختلافات فراوان در سیاست خارجی با حمله عراق به کویت وارد کاهش تنش شد و مشکلات امنیتی به وجود آمده برای عربستان و مشکلات اقتصادی فراوان ایران بعد از جنگ، زمینه را برای آغاز فاز سوم دوره تنش زدای و تعامل در روابط را فراهم آورد و حدود پانزده سال روابط نسبتاً مسالمت‌آمیز را باهم داشتند تا اینکه بعد از حمله ایالات متحده به عراق و سرنگونی صدام حسین روابط دو کشور برای بار سوم وارد فاز رقابت شدید منطقه‌ای و تنش، منازعات شد و مجموعه اقدامات وقایعی مانند انقلاب‌های عربی و برجام باعث گردید که با اعدام روحانی مبارز شیعه عربستان (شیخ نمر) به اتهام "محاربه و عدم اطاعت از ولی زمان" در سال ۲۰۱۶ که باعث حمله عده‌ای در ایران به سفارت عربستان و به آتش کشیدن آن شد قطع شود بعد از قطع رابطه رفتار دو کشور نسبت به هم با منازعه و درگیری‌های محدود در خلیج فارس و جنگ‌های نیابتی در کشورهای تحت نفوذ ادامه پیدا کرد تا با مورد هدف قرار گرفتن پهپاد آمریکای توسط ایران شاهد کاهش جنگ لفظی و تنش بین مقامات دو کشور باشیم که همین امر باعث گردید که موج سینوسی نمودار در دوره سوم به پایان برسد و شواهد و قرائنی که در ادامه بدان پرداخته می‌شود نشان می‌دهد که موج چهارم روابط دو کشور همانند دوره‌های قبل تمام مراحل تعامل، رقابت، تنش و درگیری و قطع رابطه را گذرانده است و در حال شروع این مرحله می‌باشد و فقط نیاز به یک نقطه عطف مهم و تأثیرگذار بر روی دو کشور جهت شروع روابط نیاز دارند.



شکل ۲- منحنی روند روابط سیاسی بین ایران و عربستان سعودی

(ترسیم از محمودزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۸)

یمن به‌عنوان یکی از حوزه‌های رقابت میان ریاض و تهران به قوت خود باقی است؛ در هر صورت وجود تعارض میان ایران و عربستان بازی ست با حاصل جمع جبری صفر و سعودی‌ها به وجود آمدن یک حکومت شیعی دیگر در همسایگی خود را تحمل نمی‌کند و ایران نیز بر اساس اصل پشتیبانی از شیعیان و مظلومان جهان دست از حمایت حوثی‌های یمن بر نمی‌دارد و این عاملی ست که تا به امروز پنجره لاینحل باقی‌ماندن جنگ یمن و برقراری سازش، شده‌است و تا زمانی که بحران در یمن ادامه دارد تعارضات در میان ایران و عربستان هم در یمن به قوت خود باقی ست (نجات و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱) و باعث به وجود آمدن یکی از مناقشات اصلی ایران و عربستان شده‌است که تعامل و عادی‌سازی در روابط را بین دو کشور به عقب انداخته به نحوی که هنوز دو کشور به یک دیدگاه مشترک جهت تعامل نرسیده‌اند.

نتیجه‌گیری

شیعیان یمن در جنوب شبه‌جزیره عربستان همواره در طول تاریخ پاشنه آشیل سعودی‌ها بوده‌اند که باعث شده طی دهه‌های گذشته نگاه عربستان به یمن همواره تردیدآمیز باشد بنابراین با توجه به شرایط موجود، تشکیل مجدد حکومتی شیعه و گسترش نفوذ جنبش انصارالله و شیعیان الحوثی در یمن، نگرانی عربستان نسبت به تقویت و نفوذ فزاینده ایران در منطقه را به‌رحال داشته‌باشد به‌طورکلی شیعیان یمن به‌صورت بالقوه (فعال شدن جنبش‌های شیعه‌گری) و بالفعل (تشکیل دولت شیعی یمن در

همسایگی عربستان سعودی) عامل ایجاد رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک در بین ایران و عربستان شده‌اند و هر دو کشور در این رقابت هزینه‌های هنگفتی را به هم تحمیل کرده‌اند. بدیهی است برای برون‌رفت از این رقابت بی‌نتیجه، لازم است دو کشور درباره مناطق حوزه نفوذ خود مذاکره کنند و به تفاهم برسند. این کار ضمن اینکه از محاصره یمن و خونریزی بیشتر مردم مظلوم آن کشور جلوگیری خواهد کرد، باعث فروپاشی اتحادها و ائتلاف علیه ایران، حضور کم‌رنگ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در جنوب غرب آسیا، کاهش هزینه‌های جنگی و اقتصادی برای ضربه زدن به یکدیگر، افزایش ثبات، امنیت منطقه و... خواهد شد در شرایط کنونی دو کشور با توجه به مسائل مختلفی حل‌نشده‌ای که دارند که یکی از مهم‌ترین آنها بحث بحران یمن می‌باشد در پی روابط با کمترین تنش و تعامل هستند که این را در روابط چندین‌ساله آنها که همواره روابط آنها میان الگوی تعامل و منازعه در نوسان بوده‌است می‌توان مشاهده کرد به طوری که هر زمان حوزه نفوذ یکی از این کشورها در منطقه افزایش یافته، دیگری در برابر این مسئله واکنش نشان داده و سعی در محدود کردن آن به‌عنوان قدرت منطقه‌ای رقیب داشته است و طی یک دهه گذشته به‌خصوص بعد افزایش قدرت شیعیان در عراق و لبنان و همچنین افزایش نفوذ ایران بعد انقلاب‌های منطقه‌ای در سال ۲۰۱۰ در منطقه، عربستان سعودی با تمام ابزارهای خود در برابر آن ایستاد و مانع از یک تازی ایران در منطقه شد ولی با بررسی آنچه از روابط تاریخی دو کشور به دست می‌آید این دو کشور تا زمانی از هم دور می‌شوند که حداقل منافی برای هم نداشته‌باشند حال این منافع می‌تواند کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشد در این مرحله با وجود منازعات و تنش‌های فراوان در مسائل حل‌نشده مختلف در روابط دو کشور و با توجه به اینکه این تنش‌ها به سود هیچ‌کدام از آنها نیست و حتی این منازعات و تنش‌ها می‌تواند آنها را وارد جنگ مستقیم با ضرر فراوان نماید به‌خصوص در بحث یمن لذا بنا به اظهارات مقامات دو کشور طی چند سال گذشته احتمال نزدیکی و کاهش تنش و تعامل فراوانی را می‌دهد و با توجه به اینکه در طول تاریخ روابط دو کشور بعد از کاهش تنش در روابط همیشه یک واقع و حادثه به‌عنوان نقطه عطف شروع روابط دو کشور بوده‌است یکی از این وقایع می‌تواند حل شدن موضوع یمن و تشکیل دولت میانه‌رو با همکاری دو کشور باشد لذا برقراری روابط بین آنها می‌تواند روابط برد و برد برای هر دو کشور باشد که برای عربستان در موضوع یمن با توجه به نفوذ ایران بر روی حوثی‌ها بتواند یک دولت میانه‌رو که خطری برای کشور عربستان نداشته‌باشد در یمن تشکیل دهند و در مقابل عربستان نیز بتواند به‌عنوان یک میانجی، آمریکا را به برجام برگرداند یا حتی با توجه به نفوذی که عربستان دارد بتواند مجوز فروش نفت به‌صورت محدود برای

ایران به دست آورد که این می‌تواند برای ایران که با مشکلات اقتصادی فراوانی همراه گردیده است از بن‌بست خارج کند که یک امتیاز و برد برای ایران هم محسوب می‌شود. هرچند رسیدن به این شرایط کمی بلندپروازانه به نظر می‌رسد ولی شرایط و حوادث منطقه نشان می‌دهد که دو طرف راهی جزء رابطه و مذاکره در مورد تمام موضوعات اختلافی با هم ندارند در این شرایط ایران طی چندین بار تمایل خود را برای رابطه و مذاکره اعلام کرده است چرا که با شرایط بد اقتصادی که ایران با آن روبروست و منع شدن دولت مردان ایرانی از طرف حاکمیت جهت مذاکره با آمریکا، راهی جزء مذاکره با عربستان (هم به عنوان یک همسایه قدرتمند و هم به عنوان نماینده آمریکا در منطقه) در این شرایط و بن‌بست اقتصادی و سیاسی ندارد و همچنین عربستان نیز راهی جز رابطه و مذاکره ندارد چرا که با توجه به مشکلات امنیتی که در منطقه با آن روبروست به خصوص جنگ با حوثی‌های یمن و ناامنی‌های به وجود آمده در خلیج فارس که در صورت ادامه دار شدن این روند احتمال افزایش ناامنی بیشتر در منطقه هم متصور است که می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری را بر روی این کشور داشته باشد.

کتابنامه

- احمدی، سید عباس (۱۳۸۶). «جغرافیای شیعه؛ نگاهی به پراکنش جغرافیایی شیعیان»، نشریه جام هفته، سال نهم، شماره ۳۸۲، مرداد.
- احمدی، سید عباس و حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). «موانع و شیوه‌های بازمانده تجدید حیات شیعه در جهان»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان.
- احمدی، عباس (۱۳۸۹). «نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ مطالعه موردی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول، بهار ۸۹، ص ۳۷-۷۴.
- امیر دهی، علی‌رضا (۱۳۸۹). «یمن، از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران»، مجله اندیشه تقریب، شماره ۲۳، تابستان.
- اعظمی، هادی (۱۳۸۶). «وزن ژئوپلیتیک و نظام قدرت منطقه‌ای بررسی موردی: جنوب غرب آسیا»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره سوم، پاییز ۸۶، ص ۱۱۹.
- تلاشان، حسن (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن»، فصلنامه علمی پژوهشی، س ۱۰، ش ۴۰.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۴). چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. چاپ چهارم.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). جزوه منتشرشده جغرافیای سیاسی جهان اسلام. ۱۳۸۴/۹/۸: دانشگاه تربیت‌مدرس.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- درایسدل، آ. و بلیک، ج. اچ (۱۳۷۴). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه. چاپ چهارم.
- رضایی، محسن (۱۳۸۴). ایران منطقه‌ای، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ دوم.
- روشن، علی‌اصغر و فرهادیان، نورالله. (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی نظامی، تهران، دانشگاه امام‌حسین (ع).

سیمبر، رضا (۱۳۸۵). ژئوپلیتیک و مذهب در نظام بین‌الملل: راهبردها و تحولات، فصلنامه ژئوپلیتیک، ش سوم و چهارم، سال دوم، پاییز و زمستان.

سیمبر، رضا (۱۳۸۵). منطقه‌گرایی در جغرافیای سیاسی جهان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۵). دیپلماسی انرژی و امنیت ملی؛ انتشارات وزارت امور خارجه. صادقی اول، هادی و نقدی عشرت‌آباد، جعفر (۱۳۹۳). «واکنش شورای همکاری خلیج فارس به بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۶۸-۴۹.

صادقی، حسین و احمدیان، حسن (۱۳۸۹). «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن: امکانات و چالش‌ها»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶، صص ۲۸۰-۲. علیخانی، مهدی (۱۳۹۳). «اهمیت ژئوپلیتیکی و هویتی یمن و موازنه جویی ایران و عربستان»، هفته‌نامه پایتخت کهن شماره ۳۲.

عمادی، سید رضی (۱۳۹۴). «بررسی روند تجاوز سعودی‌ها به یمن» وبگاه اندیشکده راهبردی تبیین.

فاضلی نیا، نفیسه (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، قم: انتشارات مؤسسه شیعه‌شناسی.

فرمانیان، مهدی و موسوی‌نژاد، سیدعلی (۱۳۸۶). زیدیه: تاریخ عقاید، تهران: ادیان، نوبت اول. کریم‌لو، داوود (۱۳۹۴). جمهوری یمن. (کتاب سبز) تهران: مؤسسه چاپ وزارت امور خارجه، چاپ اول.

گلی، محمد (۱۳۹۴). نگاه بازیگران مختلف به القاعده یمن، مقاله سیاسی ص ۲۲ شماره ۴۲ مرکز توزیع پیام دیدار.

محمود زاده، رسول (۱۳۹۵). «جایگاه شیعیان یمن در رقابت‌های ژئوپلیتیک خلیج فارس (مطالعه موردی ایران - عربستان)»، استاد راهنما: حسین ربیعی، کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). خدمات متقابل ایران و اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.

- مظفر، محمدحسین (۱۳۹۱). تاریخ شیعه، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ چهاردهم.
- نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۰). «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، فصلنامه روابط خارجی، شماره چهارم، ص ۲۵۶.
- نیکسون، ریچارد (۱۳۷۱). فرصت را دریابیم، وظیفه آمریکا در جهانی با یک قدرت، ترجمه حسین وحی نژاد، تهران: انتشارات طرح نو.
- نیکو، حمید (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و چشم‌انداز اسلام‌گرایی در یمن» پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم شماره ۳۳، پاییز.
- هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۳). «داعش؛ میراث سیاست غربی - عربی»، گزارش مرکز پژوهش مجلس شورای اسلامی.
- Alterman, J.B. and Nelson Rick O (2010). "AQAP in Yemen," Center for Strategic and International Studies (CSIS), November 5.
- Dwyer, DAVID (Jan 5, 2010). "Experts: Yemen Near-perfect Haven for Terrorists" ABC NEWS.
- Gerges, F A (2005). The far enemy: Why Jihad Want Global. Cambridge University Press.
- Johnsen, Gregory (2009). "The Six Wars the National National" in: <http://www.ae/apps/pbcs.dll/artiac>.
- Ramsbotham, Oliver. Tom Woodhouse, Hugh Miall. Contemporary Conflict Resolution (2011). The Prevention, Management and Transformation of Deadly Conflicts, 3rd Edition (Malden, MA, Cambridge, UK: Polity).
- State", Washington Post, 8 December.
- Tim Lister, M. (2011). Why we should care about Yemen, CNN.
- Wright, Robin and Baker, Peter (2004). "Leaders warn against forming religious.